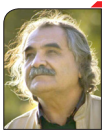


روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یکشنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۷_ ۷ صفر ۱۴۴۴_ ۲۰۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲_ شماره ۲۰۱۲_ سال هفتم
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضرب کیفی ۶۷۴
www.hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli@t.me/HamdeliNews
صاحب امتیاز: مدیر مسئول: ولی الله شجاعپوریان
چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۲۷۵ - ۰۲۱
نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

یادداشت‌ها بدون مخاطب

عکس‌ها همیشه چیزی را پنهان می‌کنند



علی داریا نویسنده

– نه خیالی که نیست، اما در ژرفایش چندان خالی از خیال هم نیست.
– تا این لحظه که هیچ نگفته‌ای شاید او فقط موجودی بوده است که شباهتی با عشق آرمانی‌ات داشته است؟!
– بی‌شبهات به آفاق نبود، معشوق آرمانی‌ام را می‌گویم، تدری، ظرافت و لطافت صدایش اما می‌خواهم بگویم این هم که تنها به شباهتی باشد بگویم رویای نشان دادن در در تلاش برای محقق کردن این رویا خنده‌دار و کمی هم قابل‌ترحم می‌شوند.

– نگاه کن! چطور نمی‌بینی‌اش؟! فقط کمی مه‌آلود است اما از میان مه هم می‌توان چیزهایی را دید، فقط نگاه نکن، نگاه کردن که کافی نیست؛ این دیدن است که اهمیت دارد، سعی کن ببینی‌اش؛ مه هم حتماً نیامده است تا پنهانش کند، شاید کار مه هم کار همان عکاس شیطنانی است که در تلاش پنهان کردنی است تا بیشتر به نمایش بگذارد.

– می‌خواهم واضح و شفاف ببینمش! همین‌طوری سیال میان مه، مثل اینکه مادیاتی سپید دارد میان غبار می‌دود ...

– نه! خوب نگاه کن! این غبار نیست تنها مهی غلیظ است، اینجا تاچشم کار می‌کند دریاست، دریا! نگاه کن، ببین! دریا از دور چشم‌های اوست که پیداست، این آبی آبی نیست چیزی شبیه رویاست.

– نامتان چیست؟!
– نام؟!
– بلی، اسمتان، نامتان؟!
– مرا رخ نامیده‌اند.

– چنین نامی هرگز نشنیده‌ام، معنایش چیست؟!
– رخ: معنایش صورت است البته این نامی روسی می‌باشد.
– پس تو توانسته‌ای از نزدیک او را ببینی و حتی با او حرف بزنی، او حتی نام کوچکش را برایت گفته و صورت معنایش کرده است، حالا در تلاش نشان دادن چه چیز به من هستی؟!
– به تو؟! تو اصلاً که هستی، من فقط دارم سعی می‌کنم، سعی می‌کنم؛ سفرنامه خودم را بنویسم.

– سفرنامه که چه عرض کنم، تو داری سعی می‌کنی از میان انبوه مه عکسی را به من نشان بدهی که انگار اصلاً وجود خارجی نداشته است و زاییده خیال توست.

یادداشت‌ها بدون مخاطب

نگاهی به دفتر شعر «دست چیم از من جوان تر است» هاله زارع نی‌ریزی مرگ که چیزی نیست، فقط گوربه گور می‌شویم



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

شعرهای هاله زارع نی‌ریزی را دوست دارم، به‌درستی نمی‌دانم چرا دوست دارم، شاید به دلیل آنکه وقتی این سروده‌ها را می‌خوانم خیلی گذر زمان را احساس نمی‌کنم، شاید به خاطر آن که این صمیمیت دارد، یا شاید به دلیل اینکه مثل آب صاف است، شفاف است، سلیس است و درعین حال سخت: «دیده بودم برکهای از کوچ مرغایی‌ها خشک شود اما چمنان مادرم وقتی پدر پرواز کرد ... سکوت در حیاط نشسته بود و تنهایی مادرم به‌تنهایی باغچه آب می‌پاشید/ هم چنان که بی‌حالی شال گردش راه‌بر گردن آدم‌برفسی می‌انداخت/بسه دنبال پارچه نخی گل‌داری می‌گشت تا برای تابستان پیراهنی خنک بدوزد/ نام پدر را گذاشته بود روی یک گل‌بسه نامش آب می‌داد و نگاهش بیشتر با خاک حرف می‌زد تا با من همان روز از چشمان مادرم فهمیدم که می‌توان سسر اندوه را/ اندوه دیگری گرم کرد.» تمام شعر را آوردم تا به تمام دفتر شعر اشراف داشته باشید. تم‌های تغزلی این دفتر، مویه وار است و روانشناسی‌اندوه، بنمایه‌های شعرها، همین‌هاست: عشق است و تنهایی و هجران است و صدای چکمه است: «می‌گویم: مهم نیست که چکمه‌ها همیشه می‌دوند/نگاه کن خیابان خراش برداشته‌اما دیوارها خط‌خورده‌اند.» و «ن‌بست» است و آخر خط رسیدن، شب است که بی آن غروب شود، می‌آید: «و دود، دود آندوه‌گین، به هر دری می‌زند/تا در صورت‌هایی که گرفته، درچه‌ای باز کند و از آن بگریزد.» زارع به همه چیز مشکوک است، گویی در یک فضای سیاه و ترسناک گام



دست چیم از من جوان تر است هاله زارع نی‌ریزی

می‌زند: «واژه‌ها به کوچ می‌اندیشند و درختی لخت، مدام در دستم می‌لرز/صدای قارقار بلند شده است/می‌ترسم بنویسم/به اصالت قلم‌ها شک کرده‌ام/راستی من کاج بودم یا بید و هر شعر از کدام شعر برخاسته است؟»
شاعر به محیط‌زیست فکر می‌کند که منهدم شده است و به درختانی که کتاب شده‌اند و کتاب‌هایی که اصالت ندارند، نویسنده‌گانی که قارقار می‌کنند و همه‌جا را کدر کرده‌اند. راوی در این هوای غفن و گرفته، دچار حواس‌پرتهی شده است، پرت شده است: «رنگ پوتین‌هایت چقدر به شب‌هایم می‌آید/بند پوتین‌ها را باز می‌کنم/ نیستی، می‌بندم، می‌روم روی صورت مجازاتی می‌نویسم/هیچ درچه را باز می‌کنم/ حتی بساد نمی‌آید/مرگ داستانی دارد که از زندگی گرم‌تر است...»/انگار این حال و هوا، به راوی حال می‌دهد، شاید هم حق با او باشد، وقتی می‌گوید: «فکر کن، بچه‌هایت را بگیرند/ همسرت را، آزادی‌ات را، ندیانت را/ دل خوش کنی به بهشتی که زیر پایت گذاشتند.» هیچ روزنی باز نمی‌شود و راوی هم به‌سوی این شب فداکار، ناوک شهبای پرتاب نمی‌کند. او مثل قایق پوسیده‌ای شده که دریا را کنار ساحل گذاشته است. دل به دریا نمی‌زند. کلمات در این سروده‌ها کاری نمی‌کنند و فکرها تفننین شده‌اند. به این واژه‌ها و ترکیب‌ها نگاه کنید: «دود، بوچی سایه‌ها، سایه‌های چسبیده، سنگ، سرخ، خون، دار، قهرهای بی‌نام، سفوفی سکوت، آوای مردگان، دیوار، مرگ، حقیقت خاکستری، آمیولانس، قفس، دود بلند، جنازه، میخ، کلمات غمگین، شعرهای مجاله‌شده، سایه‌ها، صدا، اهری‌قی، صدای تیک‌تاک، صدای هیچ، میله‌های قفس، جعب طوطی...»/انگار راوی در بیمارستان، زندان، تیمارستان، گورستان و در جنگل‌قناری‌ها می‌رود. هر جا که می‌رود صدای اهری‌قی و صدای

داستانک

در ازدحام خیابان و خیال



ریحانه رضوانی

داستان‌نویس

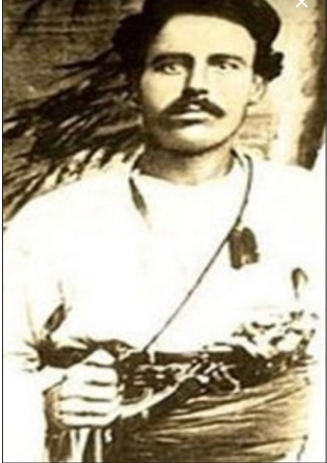
موسیقی در گوش‌هایم می‌پیچد و دستور برجستگی‌های چهارگانه مغزی‌مانی‌ام، به ویولون‌کنار نشین نگاه می‌کنم. با لیختن از کنارش رد می‌شوم و به کلاس که نزدیک به شروع شدن است، لعنت می‌فرستم. کمی جلوتر از ویولون‌کنار جلوی خیابان می‌ایستم و به کودک کاری که گونی بزرگی را به دوش می‌کشد نگاه می‌کنم. به بقیه نگاه می‌کنم، به خودم نگاه می‌کنم؛ و در آخر باز به او نگاه می‌کنم که در حال درودن از مغزهای تماشاگر است. این بار جدی‌تر و به قول مادرم خانومانه تر راه می‌روم و دیگر دست‌هایم را با هر قدم تکان نمی‌دهم. گریه سبب‌هایی از رویه‌رویی می‌گذرد و من به طرفش برمی‌گردم و روی دو پا می‌نشینم، طبق عادت برایش می‌ویوم می‌کنم تا توجهش را جلب کنم و موق هم می‌شوم، تا می‌خواهم دستم را جلو ببرم تا نازش کنم صدای فیش منصرف می‌کند؛ بعد از درنگ کوتاهی، پشتش را به من می‌کند و با دم‌بریده‌اش ازم دور می‌شود. از جا بلند می‌شوم و همچنان جلو می‌روم و به کش‌هایم نگاه می‌کنم. در میانه‌ها گاهی به چشم‌های آدم‌هازل می‌زنم اما حس خوبی از بیشتر آن‌ها نمی‌گیرم. حس می‌کنم خورشید دورتر شده است؛ و احتمالاً در حال غروب است. شب ... چقدر ... توصیف‌ناپذیر! خود را با دو طرف کتم، محکم‌تر بغل می‌کنم. به آرایشگاه مرانه

طنزهای پاره‌پاره

دلاور جنوب به دست چه کسی کشته شد؟

ابهام در نحوه شهادت رئیس‌علی پس از یک قرن

اگرچه یک‌سک بیش از یک قرن از جان باختن رئیس‌علی دلسواری می‌گذرد، اما هنوز جزئیات کشته شدن او به‌صراحت مشخص نیست، مولف کتاب «ت‌هاجم انگلیس به جنوب ایران» با بیان برخی اظهارنظرهای محققان داخلی و خارجی و شرح خاطرات برخی نظامیان انگلیسی نوشته است: «دربره چگونگی شهادت رئیس‌علی دلاوری و اینکه به‌وسیله چه کسی کشته شد، اظهارنظرهای مختلفی شده است. آنچه مسلم است، این واقعیت انکارناپذیر تاریخی است که پیروزی درخشان این سردار در جنوب دلاور کینه‌ای که انگلیسی‌ها از او داشتند، همراه با رقیات‌های محلی نقش اساسی در این جنایت بزرگ داشت.»/باحسینی، پژوهشگر تاریخ در کتاب «رئیس‌علی دلاوری» در مبحثی با عنوان «قاتل رئیس‌علی کیست» نظریه‌های گوناگونی مطرح و در مجموع چهار محور را بیان کرده است. همچنین، سرهنگ احمدآخگر که از افسران ژاندرامی بود و در کنار رزمندگان جنوب با نیروهای انگلیس مبارزه می‌کرد، در خاطرات خود، غلامحسین تنگگی را قاتل رئیس‌علی معرفی می‌کند. وی دراین‌باره می‌نویسد: «در این ضمن جنگ‌های شبانه‌بلانقطاع دوام داشت و رئیس‌علی دلساری هم در محل خود (دلیار) شجاعت‌های مجیرالعمول می‌کرد تا اینکه شدی به سنگری که متعلق به دشمن بود، حمله کرده و به خیانت یک نفر تنگگی به نام غلامحسین که او را خائنانه به آنجا خواسته بود، هدف گلوله شد و داغ بزرگی بر دل عموم مسلمانان گذاشت.» بررسی چگونگی کشته شدن دلاوری به یک نامه برمی‌گردد و این نامه به فردی به نام غلامحسین ختم می‌شود؛ نام‌های که یکی از هم‌زمان سردار



تیری و فریادی و مرگی... در پایان یک ماجرا آدمی افتاده بر خاک. در خاک خواهد خفت. فردا درباره او و من و آن خاک چه خواهند گفت. من به زمین می‌افتم.»/انتشار «یادداشت‌های مسترچیچک، نایب‌کنسول انگلیس در بوشهر» که در سال ۱۳۹۲ خورشیدی با ترجمه افشین پرتو در مجموعه آثار «کاشنامه بوشهر» به چاپ رسیده، این حقیقت را آشکار ساخت: بلندمت، شجاع، در قتل رئیس‌علی دلاوری با هدایت این سیاستمدار انگلیسی و با همکاری «میرزا رحمت لیلی» و عاملیت «غلامحسین» انجام گرفته است. «چیچک» در گزارش خود می‌نویسد: «در سیلاب دگرگونی‌ها حادث‌های روی داد. تمام شد، یکی رفت، رئیس‌علی کشته شد. میرزا رحمت لیلی تمام امروز چشم به من دوخته بود و وقتی بعدالظاهر خیر او آورد از سکوت طولانی‌ام تعجب کرد. هرگز شانه‌اش را نشکرده بودم. پس از پایان دوران طولانی سکوت‌م، شانه‌اش را فشردم. یاد قهقهه‌سر می‌دادم، ولی نمی‌خواهم. آن‌کس را که برگزیده بودم، کلر را تمام کرد. در میان درگیری

روزنامه همدلی

بستان رخ تو گلستان آرد بار
وصل تو حیات جاودان آرد بار
بر خاک فکن قطره‌ای از آب دو لعل
تا بوم و بر زمانه جان آرد بار

منتقد تکامل

عرض پله: فاصله بین گونه‌های پله را عرض پله می‌گویند.
پاگرد: محلی است که شخص پس از پی‌موندن یک پله دفعه بر آن قدم می‌گذارد.

مجازستان

■ گفت: «هرا یادت هست؟» دویدم و در راه فکر کردم که من چه یادی دارم، چرا یادم به وسعت همه تاریخ است؟ و چرا آدم‌ها در یاد من زندگی می‌کنند و من در یاد هیچ‌کس نیستم؟ «سال بلوا، عباس معروفی» (The D)
■ دیروز رفیقم تشنج کرد، هر چقدر دست‌وپا زد من بهش توجه نکردم و گفتم برو از سنگت کمک بگیر تا بفهمه که دیگه استوری نذاره که سگ‌ها مرامشون از آدما بیشتره. الانم داریم از سر خاک میایم. (MehdiBMP)
■ ترکیب شیرموز و باقلا رو از لحاظ آماری روی کاغذ می‌بینی فکر می‌کنی که خیلی با هم عالی می‌شن ولی وقتی که امتحانش می‌کنی می‌فهمی که دو بادشاه توی یه اقلیم نمی‌کنجن. (دومینور هارمونیک)
■ از ملتی که «پکیج آموزش زبان در خواب» می‌خریدن، انتظار نداشتی باشن رو پیام همین حالا برنامه رو نصب کن و ۱۰۰ میلیون برنده شو کلیک نکنن. (gol pesar)

فکاور

پایان راهیمیایی فضایی فضانوردان چینی شنزو ۱۴

بنا بر اعلام آژانس فضایی چین، فضانوردان چینی فضاییامی شنزو ۱۴، اولین راهیمیایی فضایی خود را در ساعت ۰۰:۳۳ به‌وقت پکن در روز جمعه با موفقیت انجام دادند که حدود عساست به طول انجامید. چن دونگ و لیو یانگ که به بیرون از کابین خود رفته بودند، پس از انجام تمام وظایف برنامه‌ریزی‌شده به‌سلامت به مازول آزمایشگاهی و نتیان ایستگاه فضایی تیانگونگ چین بازگشتند. این اولین باری بود که فضانوردان چینی از کابین قفل شده مازول جدید آزمایشگاهی و نتیان خارج شدند و راهیمیایی فضایی خود را با کمک یک بازوی روباتیک کوچک انجام دادند. از جمله اقدامات انجام شده توسط این دو نفر می‌توان به نصب مجموعه پمپ‌های مازول آزمایشگاهی و نتیان، انتقال دوربین پانورامای مازول آزمایشگاهی و بررسی قابلیت انتقال مستقل و بازگشت اضطراری به فضاییامی شنزو ۱۴ اشاره کرد. چین فضاییامی شنزو ۱۴ را در ۳۰ ژوئن به فضا پرتاب کرد و از این طریق سه فضانورد چینی را برای انجام یک مأموریت شش‌ماهه به ایستگاه فضایی تیانگونگ خود فرستاد.

فکاور

پیش‌بینی ریسک مرگ‌ومیر با بررسی کیفیت خواب

محققان دریافته‌اند که سن خواب هر فرد عمدتاً تحت تأثیر تعداد وقفه‌هایی است که هر شب در زمان خواب برای او اتفاق می‌افتد. با محاسبه سن خواب و تعیین تفاوت آن با سن واقعی افراد، می‌توان تعیین کرد که احتمال مرگ‌ومیر در مردم کم است یا زیاد و چگونه می‌توان با بهبود کیفیت خواب، طول عمر را افزایش داد. مطالعه مشترکی از سوی دانشگاه استنفورد و مرکز پزشکی خواب دانمارک نشان داده که بین سن خواب تقریبی و طول عمر افراد رابطه‌ای وجود دارد. محققان با استفاده از آزمایش‌های چندگانه خواب (PSG) به تعیین سن خواب افراد پرداختند. این آزمایش‌ها از چندین مؤلفه بیومتری استفاده می‌کنند تا کیفیت خواب و مشکلات احتمالی آن را تشخیص دهند. آن‌ها در بررسی‌های خود فهمیده‌اند که کیفیت خواب پایین با افزایش نرخ مرگ‌ومیر در افراد همبستگی دارد. فاصله‌های ۱۰ ساله میان سن خواب و سن واقعی می‌تواند به کاهش یا افزایش ۸٫۷ساله عمر فرد منجر شود. متخصصان باور دارند که با کاهش مشکلات خواب شبانه می‌توان طول عمر را افزایش داد. اجتناب از مصرف کافئین، الکل و غذاهای سنگین قبل از رفتن به رختخواب، حفظ یک برنامه زمانی خواب منظم و ایجاد محیطی مناسب‌تر برای خوابیدن می‌تواند به افزایش کیفیت خواب کمک کند. محققان در این مطالعه که نتایجش در مجله npj Digital Medi منتشر شده، اطلاعات ۱۳٫۳۳۲ نفر را گردآوری کردند. در این آزمایش‌ها وضعیت جریان هوا، فشار بینی، غلظت اکسیژن خون و چند مؤلفه دیگر بررسی شد. تست‌های PSG افزون بر نمایش اختلالات، به متخصصان نشان دادند که فرد در چه مرحله‌ای از خواب قرار دارد. بسیاری از این اختلال‌ها برای خود فرد غیرقابل تشخیص هستند، برای مثال بیمار ممکن است در حین خواب به مدت کمتر از یک دقیقه بیدار شود و دوباره بخوابد. باین‌حال، این اتفاق در خاطر او نخواهد ماند. دانشمندان برای تحلیل اطلاعات PSG از یک سیستم یادگیری ماشینی استفاده کردند تا سن خواب هر فرد را به دست بیاورند. دکتر «مانوئل میگنوت» از دانشگاه استنفورد می‌گوید: «اگرچه ما این پیوند را در داده‌ها پیدا کرده‌ایم، ولی مشخص نیست که نقش آن در نرخ مرگ‌ومیر چیست. این اختلالات با مشکلاتی که باعث می‌شود فرد هوشیارانه مثلاً برائز بی‌خوابی از خواب بیدار شود، فرق می‌کند.» محققان هنوز دقیقاً نمی‌دانند که چرا این اختلالات چنین نقش مهمی در سلامت کلی افراد ایفا می‌کنند.